

معنای عبارت «تصریف الريح» در قرآن

محمد کاظم رحمان ستایش^۱

محمود قاسم‌زاده خشک‌ودی^۲

چکیده

عبارت «تصریف الريح» دو بار در قرآن کریم به‌کار رفته و از جمله‌ی «آیات» برشمرده شده است. مفسران پیرامون معنای آن اقوال مختلفی را ذکر کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را در سه دسته‌ی کلی بادهای چهارگانه، اثرات باد در طبیعت و جریان گردش بادهای تقسیم‌بندی کرد. به‌نظر می‌رسد نمی‌توان «تصریف الريح» را تنها مربوط به یکی از این دسته‌ها دانست و باید معنای وسیع‌تری برای آن در نظر گرفت. با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی «تصریف»، «ريح» و «آیه»، دانسته می‌شود که منظور از «تصریف الريح»، می‌تواند انواع تغییراتی باشد که بادهای چهارگانه در ایجاد آن‌ها نقش داشته یا خود متحمل می‌شوند. همچنین وجه این‌که «تصریف الريح» از جمله‌ی آیات برشمرده شده آن بوده که هر یک از این تغییرات دلالت و اشاره‌ای بر یکی از صفات الهی دارند.

کلید واژه‌ها: تصریف الريح، بادهای چهارگانه، آیه ۱۶۴ بقره، آیه ۵ جاثیه.

kr.setayesh@gmail.com

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم؛

mahmoudghkh@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)؛

۱- طرح مسأله

خدای سبحان در دو آیه‌ی ۱۶۴ سوره‌ی بقره و ۵ سوره‌ی جاثیه مواردی را ذکر فرموده و از آن‌ها با تعبیر «آیات» یاد می‌کند. یکی از این موارد «تصریف الرِّیاح» است؛ پرسش پیش‌رو آن است که وجه آیه بودن «تصریف الرِّیاح» چیست و این تعبیر به چه پدیده (یا پدیده‌هایی) در جهان پیرامونی اشاره دارد؟ به نظر می‌رسد شناخت معنای واژگان «ریاح»، «تصریف»، «آیه» و این‌که اساساً چه مواردی از آن‌ها قابلیت و استعداد آیه بودن را دارند، روشن‌گر پرسش تحقیق باشد.

در این راستا، پرسش‌های ذیل مطرح می‌شود:

۱. مفهوم واژگان «تصریف»، «ریاح» و «آیه» چیست؟
۲. دیدگاه‌های ذکر شده برای هر یک از معانی و مصادیق «تصریف الرِّیاح» مستند به چه شواهدی است؟
۳. نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌های ذکر شده چیست؟

۲- دیدگاه‌های مفسران در مورد عبارت «تصریف الرِّیاح»^۱

برخی «تصریف الرِّیاح» را ناظر به نمونه‌ای از اعجاز علمی برشمرده‌اند و احتمالاً وجه آیه بودن را اشاره‌ی آیه به آن یافته‌ی علم تجربی می‌دانند (نک: بازرگان، ۳۳۶؛ براتی و قطب شریف، ۱۷۴ و ۱۷۵). برخی دیگر در تفسیر این عبارت به سراغ بیان انواع مختلف باد و نقش‌های گوناگون آن رفته و به نظر می‌رسد صرف تغییر و تحول باد و عدم توانایی دیگران در این تغییر و تحول را آیه‌ای برای خداوند متعال منظور داشته‌اند (نک: الطوسی، ۵۵/۲؛ الفخر الرازی، ۱۷۱/۴ و ۱۷۲؛ الماوردی، ۲۱۷/۱ و ۲۱۸؛ ابوالفتوح رازی، ۲۷۳/۲ و ۲۷۴؛ رشیدرضا، ۶۲/۲ و ۶۳؛ الطباطبایی، ۴۰۴/۱ و ۴۰۵؛ فضل‌الله، ۱۴۶/۳).

۱. کاربرد واژه‌ی «مفسر» در این تحقیق با تسامح همراه است، چرا که آراء لغویون و تکرنگاری‌های مربوطه نیز محل رجوع بوده‌اند.

هم‌چنین از منظری دیگر به آراء مفسرین، می‌توان گفت که گروهی معنای «تصريف الرياح» را ناظر به نقش فاعلی باد در پدیده‌های دیگر مثل باران، درختان، حرکت ابرها و... برشمرده‌اند که موجب اثراتی در آن‌ها می‌شود (نک: القرطبی، ۱۹۷/۲؛ الصادقی، ۴۴۲/۲۶؛ الخطیب، ۲۲۲/۱۳) و گروهی دیگر به نقش مفعولی باد اشاره داشته و غالباً احوال و انواعی که باد برخورداری می‌شود را ذکر نموده‌اند (نک: الطبری، ۳۹/۲؛ الفخرالرازی، ۱۷۲/۴). دسته‌ی سوّمی نیز وجود دارند که هر دو نقش فاعلی و مفعولی بادها را منظور کرده‌اند (نک: أبوحیان، ۸۲/۲؛ السمین، ۴۲۴/۱؛ طنطاوی، ۳۳۴/۱؛ طالقانی، ۳۳/۲).

۳- نقد و بررسی دیدگاه‌های مفسران

قبل از بررسی دیدگاه‌های مفسران، در گام نخست به توضیحی در خصوص مفردات اصلی بحث مبادرت می‌شود.

۳-۱. مفهوم شناسی واژگان

۳-۱-۱. مفهوم ریح

ریح در لغت و اصطلاح قرآنی در چند معنا نزدیک بهم به کار رفته است.

الف - در لغت

ریح یکی از جمع‌های واژه‌ی «ریح» (الفراهیدی، ۲۹۲/۳؛ ابن درید، ۵۲۶/۱؛ الازهری، ۱۳۹/۵؛ ابن الأثیر، ۲۷۲/۲) و به معنای جریان مادی (محسوس یا غیرمحسوس) (مصطفوی، ۲۸۰/۴)، هوای متحرک (الراغب الاصفهانی، ۳۷۰)، نسیم هوا (ابن سیده، ۵۰۷/۳) و هوای مسخر بین زمین و آسمان (الفیومی، ۲۴۴؛ الطّریحی، ۳۶۲/۲) است. ریشه‌ی «راء، واو، حاء» مشخصه‌هایی هم‌چون وسعت، سرعت، آسایش و راحتی را اشاره می‌کند، چنان‌که ابن‌فارس می‌نویسد «الراء و الواو و الحاء أصلٌ کبیر مطّرد، یدلُّ علی سَعَةٍ و فُسْحَةٍ و اطّراد» (ابن فارس، ۴۵۵/۲).

ب - در قرآن

«ریاح» ۱۰ بار در قرآن، همراه واژگان «بُشر» (نک: اعراف، ۵۷)، «مبشرات» (نک: روم، ۴۶)، «لواقح» (الحجر، ۲۲) و... ذکر شده است (روحانی، ۸۱۷/۲). گفته می‌شود که ریح و ریاح معنای متفاوتی دارند (ابن عطیة، ۲۳۳/۱)؛ برخی می‌گویند واژه‌ی ریح، اشاره به جنس دارد و ریاح، اشاره به اختلاف جهت بادها (القرطبی، ۱۹۷/۲)؛ برخی واژه‌ی ریاح را در بیان رحمت اولی دانسته (نک: الفخر الرازی، ۱۷۳/۴)؛ و عده‌ای از مفسرین و اهل لغت نیز می‌گویند ریح در قرآن، غالباً برای بیان عذاب است و ریاح برای بیان رحمت (نک: الراغب الاصفهانی، ۳۷۰؛ ابن عطیة، ۲۳۳/۱؛ الفخر الرازی، ۱۷۳/۴؛ ابن الاثیر، ۲۷۲/۲؛ القرطبی، ۱۹۷/۲؛ ابوحیان، ۸۱/۲؛ الزبیدی، ۶۰/۴؛ الصادقی، ۲۶۲/۲).

اما به نظر می‌رسد تفاوتی که برای معنای اصطلاحی دو واژه‌ی «ریح» و «ریاح» ذکر می‌شود، در فهم عبارت «تصریف الریاح» راه‌گشا نیست. البته در آیاتی که صفتی برای باد ذکر شده و سیاق کلام، نشان‌دهنده‌ی نوع مقام است (عذاب یا رحمت و نعمت)، این تفاوت (میان ریح و ریاح) مشهود است اما در عبارت محل بحث، وجه تمایز گفته شده کارساز نمی‌نماید چرا که «تصریف الریاح» را «آیه» برشمرده و ترجیح آن به عذاب یا رحمت، قرینه‌ی روشنی می‌خواهد که ارائه نشده است. بنابراین بهتر است که به حکمی کلی ملتزم نشده و همواره ریاح را ناظر به رحمت و نعمت ندانیم، خصوصاً در این دو آیه‌ی مورد بحث، مناسب‌تر آن است که انواع باد، اعم از باد رحمت و عذاب، باد گرم و سرد و... را لحاظ کنیم چنان‌که برخی چنین عمل کرده‌اند (نک: الزمخشری، ۲۱۰/۱ و ۲۱۱؛ الفراء البغوی، ۱۹۶/۱؛ الفخر الرازی، ۶۷۰/۲۷؛ البیضاوی، ۱۱۷/۱ و ۱۰۵/۵؛ القرطبی، ۱۹۷/۲؛ ابوحیان، ۸۱/۲؛ کاشانی، ۳۵۵/۱؛ الحویزی، ۲/۵؛ شبر، ۱۷۰/۱ و ۴۵۰/۵؛ الشوکانی، ۱۸۹/۱؛ رشیدرضا، ۶۲/۲ و ۶۳؛ فضل‌الله، ۱۴۶/۳ و ۳۰۱/۲۰ و ۳۰۴).

۲-۳. مفهوم تصریف

الف - در لغت

تصریف از ریشه «صاد، راء، فاء» به معنای تغییر حالت و جهت، منصرف کردن از چیزی

و رجوع و بازگشت است. نوشته‌اند «أن الأصل الواحد في هذه المادة: هو ردّ شيء من جهة الى جهة اخرى أو تحويله الى حالة اخرى» (مصطفوی، ۲۸۲/۶)، «الصرف: ردّ الشيء عن وجهه، صرفه يصرفه صرفاً فانصرف» (ابن سیده، ۳۰۱/۸)، «صرفتُ القومَ صرفاً و انصرفوا، إذا رجعتهم فرجعوا» (ابن فارس، ۳۴۲/۳ و ۳۴۳). از ویژگی‌های باب تفعیل، معنای کثرت است (نک: الفیومی، ۳۳۸؛ الشرتونی، ۳۳) و به این خاطر، «تصرف» می‌تواند کثرت و وقوع فعل را بیان کند؛ سیوطی می‌نویسد «التصرف لغة: التقليل من حالة إلى حالة، و هو مصدر صرف، أي: جعله يتقلب في أنحاء كثيرة وجهات مختلفة» (السيوطي، همع الهوامع، ۲۹۸/۳).

ب - در قرآن

فعل «صرف» و مشتقات آن ۸ بار در قرآن همراه واژه‌های «آیات» (نک: احقاف، ۲۷)، «وعید» (نک: طه، ۱۱۳)، «مثل» (نک: اسراء، ۸۹)، «الرياح» (نک: البقره، ۱۶۴ و الجاثیه، ۵) و ... بکار رفته است (نک: روحانی، ۹۲۴/۳ و ۵۳۹/۲)؛ نوشته‌اند «قال الزجاج: تصرف الآيات تبينها. و لقد صرفنا الآيات: بيناها» (الازهری، ۱۱۴/۱۲)، «انظر كيف نصرفت الآيات» (الأنعام، ۴۶)، «و لقد صرفنا في هذا القرآن ليدركوا» (الإسراء، ۴۱)، «أى: جعلناه على أنحاء وجهات متعددة» (السيوطي، همع الهوامع، ۲۹۸/۳). دیده می‌شود ذیل «تصرف الرياح» برای معنای تصرف، از واژه‌های «تقليل» (نک: الطبرانی، ۲۷۷/۱ و ۴۹۸/۵؛ الثعلبی، ۳۲/۲؛ واحدی، ۱۴۲/۱؛ الطبرسی، ۴۴۹/۱؛ ابن الجوزی، ۱۲۹/۱؛ نظام نیشابوری، ۴۵۹/۱؛ الألوسی، ۴۳۱/۱؛ مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۷/۷ و ۱۹)، «ارسال» (نک: الطبری، ۳۹/۲ و ۸۴/۲۵؛ ابن عطیه، ۲۳۳/۱)، «ارسال و تقليل» (نک: الشیبانی، ۲۳۱/۱)، «تقليل و تحويل» (نک: الزحیلی، ۵۸/۲ و ۲۵۰/۲۵)، «گردانیدن» (نک: المبيدی، ۴۳۷/۱) و ... استفاده شده است. به عنوان نمونه نوشته‌اند «و تصرف الرياح: تصرفها من وجه إلى وجه، و حال إلى حال، و كذلك تصرف الخيول و السيول و الأمور» (الفراهیدی، ۱۰۹/۷)؛ نیز نک: الازهری، ۱۱۴/۱۲؛ الراغب الاصفهانی، ۴۸۲) و «تصرف الرياح: جعلها جنوباً و شمالاً و صباً و دبوراً، فجعلها ضرباً في أجناسها» (الزبيدي، ۳۲۲/۱۲).

همان‌گونه که می‌بینم، وجه اصلی تفاوت اقوال در بیان معنای «تصریف الریاح»، این است که برخی «معنای مفهومی» و برخی «معنای مصداقی» را ذکر کرده‌اند.^۱ بنابراین، می‌توان گفت اتفاق نظری وجود دارد مبنی بر این‌که این عبارت، پیرامون بروز تغییر در باد می‌باشد (معنای مفهومی) اما این‌که کدام تغییر محل نظر است (معنای مصداقی)، شاید محل مناقشه باشد. چرا که بادها از جهات مختلفی قابل تقسیم و دسته‌بندی هستند. از این‌رو لازم است در ادامه به انواع تغییراتی که در مورد بادها وجود دارد اشاره شود تا محدوده‌ی «تصریف الریاح» شناخته شود؛ هرچند این تغییرات در طول تاریخ از نگاه بشر، تعداد و انواع مختلفی را داشته است و همواره موارد ثابتی را در بر نگرفته است.

۳-۱-۳. مفهوم «آیه»

آیه از ریشه‌ی «أوی» و دارای معانی مختلفی از جمله علامت، شاخصه، بنای مرتفع، عبرت، جماعت و معجزه است (نک: الجوهری، ۲۲۷۵/۶؛ ابن‌فارس، ۱۶۸/۱؛ الفیروزآبادی، ۳۲۲/۴؛ الطریحی، ۳۹/۱؛ قرشی، ۱۴۶/۱؛ پارچه‌باف‌دولتی و قندالی، ۱۱۳). اغلب اهل لغت معنی اصلی «آیه» را «علامت و نشانه» دانسته‌اند (محمدپور، ۵۵). گفته می‌شود آیه آن چیزی است که در حرکت به سوی مقصود مورد توجه بوده و وسیله‌ای در جهت رسیدن به هدف می‌باشد و همیشه ذوالآیه و پی بردن به آن اصل و خود آیه فرع است و موضوعیتی ندارد (نک: مصطفوی، ۲۰۳/۱؛ محمدپور، ۵۶ و ۵۷).

گفته می‌شود استعمال «آیه» در قرآن اغلب در مورد امور عجیبی است که نشانه بودن آن واضح و آشکار و در بیش‌تر موارد هم مربوط به حضرت حق تعالی و یا امور مقدس است، مثل معجزات، آیات قرآنی، امور تکوینی و... که به نظر می‌رسد معنی «علامت واضح و آشکار» برای واژه آیه مناسب‌تر باشد (نک: محمدپور، ۵۷).

در مورد دو آیه‌ی ۱۶۴ سوره‌ی بقره و ۵ سوره‌ی جائیه که مواردی را به عنوان «آیه»

۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد «معنای مفهومی» و «معنای مصداقی» (نک: طیب حسینی ۱۳۹۲، ۱۵).

برشمرده، می‌توان گفت که این موارد، حاوی نشانه و علامتی واضح برای دست‌یابی به یک مقصود هستند اما این‌که مشخصاً چه وجهی از امور ذکر شده این وظیفه را بر عهده دارد (و باید آیه قلمداد شود)، با توجه به معنای واژه «آیه» چندان روشن و صریح نمی‌نماید و شواهد دیگری نیز نیازمند است؛ به‌علاوه واژه‌ی «آیات» بصورت نکره بکار رفته و این‌مطلب، دلیل دیگری بر عدم صراحت وجه آیه بودن خواهد بود.

۳-۲. بررسی ساختار نحوی عبارت «تصريف الرياح»

«تصريف» مصدری است که به یک اسم اضافه شده و در زبان عربی مصدر می‌تواند به فاعل یا مفعول خود اضافه شود (نک: برکات، ۲۸/۲؛ السیرافی، ۴۶/۲). به نظر می‌رسد در حالتی که قابلیت هر دو صورت اضافه وجود داشته باشد، توجه در مراد و مضمون کلام، تعیین‌کننده‌ی نوع اضافه خواهد بود؛ در تعبیری مانند «قراءة الدرس» و «قراءة محمد» با توجه به معنای دو واژه می‌توان دریافت که در اولی، مصدر به مفعول خود اضافه شده است و در دومی به فاعلش (برکات، ۲۸/۲). اما در «تصريف الرياح» با توجه به وجود ادله و شواهدی برای هر دو صورت، تعیین مراد کلام آسان نیست. تحلیل عبارت «تصريف الرياح» با توجه به ساختار دستوری (نحوی) آن به سه شکل قابل ارائه است:

۳-۲-۱. اضافه‌ی مصدر به فاعل

برخی معتقدند در عبارت «تصريف الرياح» مصدر به فاعل خود اضافه شده و مفعول آن در تقدیر است. علت انتخاب این نظر می‌تواند مهم و پررنگ دانستن پدیده‌هایی باشد که باد در وقوع و رخداد آن‌ها اثر داشته است؛ به این معنا که ایشان در مورد آیه بودن باد، صرفاً به نقش باد در رشد گیاهان، حرکت ابرها، پراکندن روزی موجودات، حرکت کشتی‌ها و وقوع عذاب و رحمت و ... توجه کرده‌اند (نک: حسن بن علی (ع)، ۵۷۶؛ الطبری، ۳۹/۲ و ۸۴/۲۵ و ۸۵؛ ابن ابی حاتم، ۲۷۵/۱؛ الطبرانی، ۲۷۷/۱؛ الثعلبی، ۳۳/۲؛ الماوردی،

۲۶۱/۵؛ الطبرسی، ۴۵۰/۱ و ۱۰۹/۹؛ ابن عطیة، ۸۰/۵؛ القرطبی، ۱۹۷/۲؛ ابوحیان، ۸۱/۲؛ السیوطی، الدر المنثور، ۱۶۴/۱؛ الصادق، ۴۴۲/۲۶؛ الخطیب، ۲۲۲/۱۳.

ادله‌ی این دیدگاه می‌تواند آیات و روایاتی باشد که در آن‌ها به ویژگی‌هایی اشاره شده که فاعلیت باد را می‌رساند. چنان‌که می‌بینیم در آیات «وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ...»^۱ (الاعراف، ۵۷)؛ «وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ...»^۲ (الفرقان، ۴۸)؛ «... وَمَنْ يُرْسِلِ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ...»^۳ (النمل، ۶۳)؛ «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ...»^۴ (فصلت، ۱۶)؛ «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا...»^۵ (القمر، ۱۹)؛ «... فَأَهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ» (الحاقة، ۶) به مبشر بودن و منذر بودن باد اشاره شده است.

هم‌چنین در آیات «اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ...»^۶ (الروم، ۴۸)، «وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سَقَنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ...»^۷ (الاعراف، ۵۷) و «وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ...»^۸ (الحجر، ۲۲) به نقش باد در رابطه با ابرها و خاصیت بارورکنندگی بادهای اشاره شده است.

از امام باقر (ع) نقل شده «بادهای انواعی دارند، بادهایی که ابرها را برمی‌انگیزانند،

۱. «و اوست که بادهای را پیشاپیش [باران] رحمتش به عنوان مژده دهنده می‌فرستد...».

۲. «و اوست که بادهای را پیشاپیش [باران] رحمتش به عنوان مژده دهنده باران فرستاد...».

۳. «... و کیست که پیشاپیش [باران] رحمتش بادهای را مژده رسان می‌فرستد؟...».

۴. «سرانجام تبدادی سخت و سرد در روزهایی شوم بر آنان فرستادیم...».

۵. «ما بر آنان... تبدادی سخت و بسیار سرد [به عنوان عذاب] فرستادیم».

۶. «... یا تبدادی بسیار سرد و طغیان‌گر نابود شدند».

۷. «خداست که بادهای را می‌فرستد تا ابری را برمی‌انگیزد، پس آن را در آسمان آن‌گونه که بخواهد می‌گستراند...».

۸. «و اوست که بادهای را پیشاپیش [باران] رحمتش به عنوان مژده دهنده می‌فرستد تا هنگامی که ابرهای سنگین بار را بردارند، آن را به سوی سرزمینی مرده می‌رانیم، ...».

۹. «و بادهای را باردارکننده فرستادیم، و از آسمان آبی نازل کردیم و شما را با آن سیراب ساختیم...».

بادهایی که ابرها را در بین زمین و آسمان نگه می‌دارند و بادهایی که ابرها را می‌فشارند» (رستمی، ۲۳۳؛ نیز نک: البحرانی، ۲۵/۵؛ المجلسی، ۷/۵۷). کامل بن علاء نقل می‌کند «با امام باقر علیه السلام در عَرِيض بودم که باد سختی وزیدن گرفت. ایشان، شروع به تکبیر گفتن کرد. سپس فرمود: تکبیر، باد را دفع می‌کند» (ابن بابویه القمّی، ۵۴۴/۱؛ الفیض الکاشانی، ۴۹۷/۲۶؛ الحرّ العاملی، ۵۰۷/۷؛ المجلسی، ۶/۵۷). امام صادق (ع) می‌فرماید: «اگر چند روز بادهای محبوس شوند [و نورزند] همه چیز متعفن و فاسد خواهد شد» (المجلسی، ۱۵/۵۷؛ رستمی، ۲۳۳).

در سخنی از امام صادق (ع) به مفضل نقل شده: «آیا نمی‌نگری که هنگام خوابیدن و رکود باد چگونه مصیبت به پا می‌شود و جان‌ها را در معرض هلاکت می‌افکند. سالمان را بیدار و زار و بیماران را هلاک و ناکار و میوه‌ها را فاسد و نابود و دانه‌ها و سبزی‌ها را آلوده و بی‌سود می‌گرداند، «وبا» را به دنبال دارد و غلات را نابود می‌سازد. پس وزش بادهای از تدابیر خداوند حکیم است که به صلاح جهان و جهانیان در جریان می‌افتد... باد درختان را آبستن می‌کند و کشتی را به حرکت می‌اندازد و ...» (المجلسی، ۶/۵۷ و ۷؛ رستمی، ۲۳۳ و ۲۳۴).

۲-۲-۳. اضافه‌ی مصدر به مفعول

می‌توان عبارت «تصرف الرياح» را اضافه‌ی مصدر به مفعولش در نظر گرفت. طبری می‌نویسد «و فی تصرفه الرياح، فأسقط ذکر الفاعل و أضاف الفعل إلى المفعول، كما قال: يعجبني إكرام أخيك، يرید إكرامك أخاك» (الطبری، ۳۹/۲؛ نیز نک: الشهرستانی، ۶۹۹/۲). در التفسیر الکبیر نیز آمده «قال الواحدی: وَ تَصْرِيفِ الرِّيحِ أَرَادَ وَ تَصْرِيفَهُ الرِّيحَ فَأَضَافَ الْمَصْدَرَ إِلَى الْمَفْعُولِ وَ هُوَ كَثِيرٌ» (الفخر الرازی، ۱۷۲/۴؛ نیز نک: العکبری، ۴۴). در این صورت اشاره‌ی این ترکیب به تغییر و تحولاتی است که بر روی باد رخ می‌دهد (الازهری، ۱۱۴/۱۲؛ الطّریحی، ۷۹/۵)، مانند:

۱- اختلاف جهت وزش باد

۲- اختلاف دما و حرارت باد

ادله این دیدگاه می‌تواند روایات و اقوالی باشد که در آنها انواع باد از حیث جهات مختلف یا دما و حرارت متفاوت مطرح شده است. ابوصیر می‌گوید: «بادهای چهارگانه: شمال و جنوب و غربی و شرقی را از امام باقر پرسیدم و عرض کردم که مردم می‌گویند نسیم شمال از بهشت است و باد جنوب از دوزخ، فرمود: خدای را عزوجل لشکرهایی است از بادهای هرکس از گنه‌کاران را که بخواهد با آن بادهای شکنجه می‌دهد و برای هر یک از آن بادهای فرشته‌ای گماشته شده است که چون خداوند بخواهد گروهی را به‌طوری عذاب کند به فرشته‌ای که بر آن طور از عذاب که می‌خواهد عذابشان کند گماشته شده است و وحی می‌کند امام فرمود: فرشته بر آن باد دستور می‌دهد پس آن باد هم‌چون شیری خشمناک می‌جنبد و هر بادی نامی دارد مگر گفتار خدای عزوجل را نشنیده‌ای که می‌فرماید: قوم عاد تکذیب کردند پس عذاب من و ترسانندگان چگونه بودند؟ و بادهایی را درباره عذاب یاد کرد سپس فرمود باد شمال و باد صبا و باد جنوب و باد غربی به فرشتگانی که بر آنها گماشته شده‌اند منسوبند» (الکلینی، ۲۲۵/۱۵ و ۲۲۶؛ الفیض الکاشانی، ۴۹۳/۲۶ و ۴۹۴؛ البحرانی، ۲۵/۵؛ نیز نک: المجلسی، ۱۲/۵۷ و ۱۳).

هم‌چنین مفسرین می‌نویسند «قال ابو زید: قال القیسون: الريح أربع: الشمال، و الجنوب، و الصبا، و الدبور. فأما الشمال عن يمين القبلة و الجنوب عن شمالها و الصبا و الدبور متقابلتان، فالصبا من قبل المشرق و الدبور من قبل المغرب و إذا جاءت الريح بين الصبا، و الشمال، فهي النكباء التي لا يختلف فيها. و التي بين الجنوب و الصبا، فهي الجريباء، و روی ابن الاعرابی عن الاصمعی، و غیره: ان الرياح أربع: الجنوب، و الشمال، و الصبا، و الدبور.» (الطوسی، ۶۰/۲)؛ «الرياح أربع الشمال و الجنوب و الصبا و الدبور فالشمال عن يمين القبلة و الجنوب عن يسارها و الصبا و الدبور متقابلان فالصبا من قبل المشرق و الدبور من قبل المغرب» (الطبرسی، ۴۴۹/۱)؛ «المسألة الرابعة: قالوا: الرياح أربع، الشمال و الجنوب و الصبا و الدبور، فالشمال من نقطة الشمال، و الجنوب من نقطة الجنوب، و الصبا مشرقية، و الدبور مغربية و تسمى الصبا قبولا لأنها استقبلت الدبور و ما بين كل واحد من هذه المهاب

فهی نکباء» (الفخر الرازی، ۱۷۲/۴)؛ «فَأَمَّا الرِّيحُ الْأَرْبَعُ: الشَّمَالُ، وَالْجُنُوبُ، وَالصَّبَا، وَالدَّبُورُ» (البحرانی، ۲۶/۵).

۳-۲-۳. اضافه مصدر به فاعل / مفعول

در این دیدگاه هر دو وجه محتمل شمرده شده و طبق هر یک معنایی متناسب ارائه شده است؛ به عبارتی، انصرافی به یکی از دو صورت اضافه‌ی مصدر، انجام نگرفته است. در این باره می‌نویسند «يجوز أن يكون مضافا للفاعل، و المفعول محذوف تقديره: و تصریف الريح فإنها تسوق السحاب، و أن يكون مضافا للمفعول، و الفاعل محذوف أي: و تصریف الله الريح» (السمين، ۴۲۴/۱)؛ «و الريح في موضع رفع، فيكون تصریف مصدرا مضافا للفاعل، أي و تصریف الريح، السحاب أو غيره مما لها فيه تأثير بإذن الله. و يحتمل أن يكون في موضع نصب، فيكون المصدر في المعنى مضافا إلى الفاعل، و في اللفظ مضافا إلى المفعول، أي و تصریف الله الريح.» (ابوحيان، ۸۲/۲)؛ «تَصْرِيفِ مصدر صرف مضاف للمفعول و الفاعل هو الله، أي: و تصریف الله الريح. أو مضاف للفاعل و المفعول السحاب، أي: و تصریف الريح السحاب» (طنطاوی، ۳۳۴/۱)؛ «و تَصْرِيفِ الرِّيحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ - تصریف الريح، شاید اضافه‌ی مصدر به مفعول و فاعل آن اله باشد: و به هرسو گرداندن خداوند باده‌ها را. و شاید که اضافه‌ی به فاعل و مفعول آن مقدر باشد: و گرداندن باده‌ها- ابرها، هواها، آب‌ها، گیاه‌ها و هرچه باده‌ها در آن تصرف نمایند» (طالقانی، ۳۳/۲).

ادله‌ی این دیدگاه طبیعتاً می‌تواند همه‌ی شواهد ذکر شده در دو مورد قبلی باشد. به نظر می‌رسد کسانی که در این دسته جای گرفته‌اند، نسبت به دیگران توجه بیش‌تری به غرض ذکر این موارد داشته‌اند، چرا که در انتهای هر دو آیه، موارد ذکر شده از جمله‌ی «آیات» برشمرده شده و ترجیح این‌که کدام ویژگی‌ها آیه نیست، مشکل است. شاید به همین علت کسانی هر دو دسته‌ی ویژگی‌ها را مناسب دانسته و صورت اخیر را انتخاب کرده‌اند.

۳-۳. بررسی وجه آیه بودن «تصریف الرِّیاح»

با وجود آن که همه‌ی مفسرین به صراحت وجه آیه بودن را بیان نکرده‌اند اما می‌توان با توجه به مجموع سخن آنان، نتیجه گرفت وجه آیه بودن «تصریف الرِّیاح» را به واسطه‌ی توجه در سه عنوان «منشأ بادها»، «نتایج وزش بادها» و «ماهیت و ویژگی‌های ذاتی بادها» بیان کرده‌اند. برخی از این موارد به صورت زیر است:

(۱) باد، یکی از سپاهیان الهی است که در عذاب و رحمت به کار می‌رود و دارای ملکیتی موکَّل است (نک: السیوطی، الدر المنثور، ۱/۱۶۴ و ۱۶۵؛ البحرانی، ۵/۲۵ و ۲۶)؛

(۲) وزش و سکون بادها طبق مشیت الهی و درون نظام حکیم خلقت رخ می‌دهد (نک: ابن عاشور، ۲/۸۳ - ۸۵؛ الزحیلی، ۲/۶۲)؛

(۳) عدم اطلاع غیر خدا در سبب و علت تغییر و تحولات بادها (نک: الماوردی، ۱/۲۱۷ و ۲۱۸)؛

(۴) تغییر و تحولات بادها در عین رفع نیازهای موجودات و عدم بی‌نظمی (نک: الماوردی، ۱/۲۱۷ و ۲۱۸؛ ابوالفتوح رازی، ۲/۲۷۳ و ۲۷۴؛ رشیدرضا، ۲/۶۲ و ۶۳؛ مغنیه، التفسیر المبین، ۳۱؛ الطباطبایی، ۱/۴۰۴؛ مکارم شیرازی، ۱/۵۶۱ و ۵۶۲ و ۲۱/۲۳۱؛ فضل‌الله، ۳/۱۴۶ و ۲۰/۳۰۴)؛

(۵) عدم قدرت دیگران در تغییر و تحولات بادها (نک: الطوسی، ۲/۵۵؛ الفخر الرازی، ۴/۱۷۲)؛

(۶) همانند آیه بودن اختلاف فصول، اختلاف بادها نیز آیه به‌شمار می‌رود (نک: القرطبی، ۲/۱۹۹ و ۲۰۰)؛

(۷) اشاره‌ی «تصریف الرِّیاح» به جریان بادها و نمونه‌ای از اعجاز علمی است (نک: بازرگان، ۷/۳۳۶؛ براتی و قطب‌شریف، ۱۷۴ و ۱۷۵).

مهم‌ترین شواهد دلالت «تصریف الرِّیاح» بر اعجازی علمی، معنای «گردانیدن» در ریشه‌ی «صرف»، معنای «تکرار» در باب «تفعیل» و وضعیت جریان بادها می‌باشد (نک: بازرگان، ۷/۳۳۶؛ براتی و قطب‌شریف، ۱۵۶، ۱۶۳ و ۱۶۴، ۱۶۷-۱۷۴). مدافعان این دیدگاه، «تصریف الرِّیاح» را ناظر به «جریان مداری و تحوّل‌های تناوبی بادها» یا «الگوی سیستمی بادها» ذکر کرده‌اند (نک: بازرگان، ۷/۳۳۶؛ براتی و قطب‌شریف، ۱۷۴-۱۷۶).

۳-۴. نگاهی به سیر شناخت بشر از ویژگی‌های باد

ماهیت و انواع باد در نگاه بشر، همواره صورت یکسانی نداشته و در طول تاریخ، هر چه به پیش می‌رویم، محدودی بیشتری از انواع این پدیده نمایان شده است. به این خاطر در صورتی که مخاطب قرآن را محدود به عصر نزول کنیم، مجاز خواهیم بود از برخی انواع و صورت‌های باد که در قرون بعدی شناخته شده چشم‌پوشی کنیم و تنها چند صورت محدود (شناخته شده در عصر نزول) را مراد و محل نظر آیه بپنداریم. اما اگر توجه‌مان به مخاطب امروز باشد و قائل به قرینه بودن یافته‌های مسلم بشری در تفسیر آیات قرآن باشیم، نیازمند آن هستیم که پی‌جویی کنیم امروزه «تصرف الرياح» چه مواردی را دربرمی‌گیرد. با توجه به دوره‌های زمانی و ویژگی‌های هر یک، می‌توان به سه دوره‌ی کلی اشاره کرد: (۱) دیدگاه اولیه تا قبل از اسلام، (۲) دیدگاه عصر نزول و (۳) دیدگاه عصر حاضر. در ادامه به بررسی بیش‌تر این سه دوره می‌پردازیم:

۳-۴-۱. دیدگاه اولیه تا قبل از اسلام

با وجود فقدان امکانات سنجش و ارزیابی، نیازهای متعددی باعث می‌شد که برخی ویژگی‌های آب‌وهوایی شناخته شود. به‌عنوان نمونه، چهار نوع باد رایج بوده که هر یک شرایط آب‌وهوایی مشخصی را به‌همراه داشته است و این ویژگی‌ها، تنها معیار جهت‌یابی برای مردم آن روزگار بود (نک: نظری، ۴). مثلاً:

الف) بوریاس^۱ باد شمالی که پر قدرت، خنک و همراه با آسمان‌های صاف بود؛

ب) اروس^۲، باد شرقی که گرم و ملایم بود؛

ج) نوتوس^۳، باد جنوبی که قبل از خیزش طوفان‌ها می‌وزید؛

د) زفیروس^۴، باد غربی که مرطوب و معطر بود (نک: نظری، ۴).

1. Boreas
2. Eurus
3. Notus
4. Zephyrus

ویژگی مهم دیگری که از این دوره‌ی زمانی قابل اشاره است، نقشه‌ای از جهان است که گفته می‌شود بطلمیوس، آن را براساس تفکر مردم اسکندریه در سال ۱۲۰ میلادی، ارائه کرده است. همان‌گونه که در تصویر این نقشه دیده می‌شود، موجوداتی در اطراف زمین در حال دمیدن هستند که نتیجه‌ی آن ایجاد باد در زمین است (هارت - دیویس، ۶۲/۱). این تصویر، دلیلی بر رواج دیدگاه «مستقیم (یا افقی) بودن وزش بادهای» می‌باشد (نک: براتی و قطب‌شریف، ۱۶۶).



نقشه‌ی بطلمیوس (نک: هارت - دیویس، ۶۲/۱)

۲-۳. دیدگاه عصر نزول

شناخت این دوره می‌تواند با بررسی توصیفات باد در متون دینی و گزارش‌های مختلف از فرهنگ و شرایط قرون اولیه اسلامی، به دست آید.

یکی از تعبیر کلیدی که در مورد بادهای در روایات دیده می‌شود، عبارت «الرياح الاربع» (بادهای چهارگانه) است که اشاره دارد به دیدگاه رایج مردم، مبنی بر این‌که بادهای چهار دسته‌اند (نک: ابن قتیبه، ۱۵۸؛ دانشنامه جهان اسلامی، ۱۳۸/۱). به‌عنوان نمونه ابوبصیر از

امام باقر(ع) در مورد ویژگی‌های این چهار نوع باد می‌پرسد و حضرت(ع) به ویژگی‌ها و خصوصیات آن‌ها می‌پردازند؛ نقل شده «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الرِّيحِ الأَرْبَعِ الشَّمَالِ وَ الأَجْنُوبِ وَ الدَّبُورِ وَ الصَّبَا...» (المجلسی، ۱۴۸/۸۸). هم‌چنین گفته‌اند «... اعلم أن للرياح أقساما أربعة: أحدها: الصَّبَا... و ثانيها: الدَّبُور ... و ثالثها: الشَّمَال... و رابعها: الجنوب ...» (النهاوندی، ۳۷۹/۱)؛ «الرياح أربعة: صبا، و دبور، و جنوب، و شمال» (ابن عجبیه، ۸۲/۳).

هم‌چنین از عبدالله بن عمر نقل شده که بادها هشت نوع هستند و چهار مورد آن مایه‌ی عذاب و چهار مورد مایه‌ی رحمت می‌باشند؛ «قال عبد الله بن عمر: الرياح ثمانية، أربعة منها رحمة و أربعة منها عذاب...» (الماوردی، ۳۱۹/۴؛ ابن کثیر، ۲۹۰/۶). و نیز گفته‌اند «... و قيل الرياح ثمانية: أربعة للرحمة... و أربعة للعذاب...» (الخطیب الشربینی، ۱۲۶/۱).

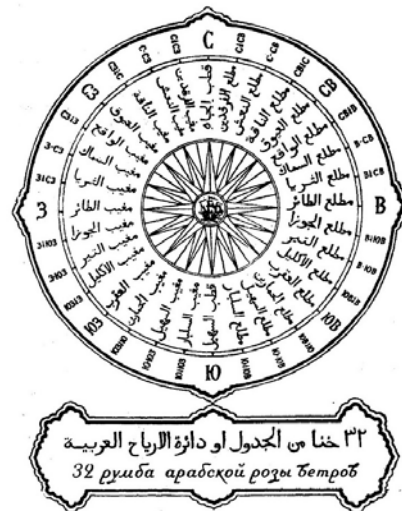
آن‌چه به نظر می‌رسد آن است که در این دوره، تقسیم‌بندی مشابهی نسبت به دوره‌های گذشته وجود دارد؛ هرچند که عناوین متفاوتی ذکر می‌شود اما معیار دسته‌بندی واحد است و تغییری نکرده. وحدت معیار نشان‌گر این نکته است که محدوده‌ی علم مردم نسبت به باد، هنوز در مقیاسی محلی بوده و به اطلاعات منسجم و بیش‌تری از بادها نرسیده بودند.

نکته‌ی دیگر آن است که می‌بینیم این چهار یا هشت نوع باد، در میان مردم مرسوم و روشن بوده و از این‌رو، مفسران و اهل لغت ذیل انواع باد به این موارد اشاره کرده‌اند (نک: بخاری، ۲۴۴/۲؛ الطبرانی، ۲۷۷/۱؛ الطوسی، ۶۱/۲؛ الطبرسی، ۴۴۹/۱؛ ابوالفتوح رازی، ۲۷۲/۲؛ الزمخشری، ۴۸۴/۳). به عبارتی دیگر کسانی که تعداد هشت نوع باد را پذیرفته‌اند، هشت نوع قرآنی را ذکر کرده‌اند و کسانی که تعداد چهار نوع باد را پذیرفته‌اند، ذیل انواع باد، اشاره به چهار دسته‌ی مزبور کرده‌اند (نک: الطبرسی، ۴۴۹/۱ و ۴۵۰؛ المبیدی، ۴۳۸/۱؛ الفراء البغوی، ۱۹۶/۱؛ الفخر الرازی، ۱۷۲/۴ و ۱۷۳؛ القرطبی، ۱۹۹/۲؛ الفیومی، ۲۴۴؛ الطریحی، ۳۶۲/۲؛ النهاوندی، ۳۷۹/۱). صادقی می‌نویسد «فهنالك أرياح خبيثة يعبر عنها بصيغة الإفراد «رياح فيها صر» (۳: ۱۲۷) «رياح عاصف» (۱۰: ۲۲) «رياح قاصف» (۱۷: ۶۹) «الرياح العقيم» (۵۱: ۴۲) «بريح صرصر عاتية» (۶۹: ۶) «ريحا فراؤه مُصَفَّرًا» (۳۰: ۵۱) اللهم إله «بريح طيبة» (۱۰: ۲۴) لو لا وصفها لكانت خبيثة، فهذه ستة. ثم

رياح بصيغة الجمع كلها طيبة كما هنا «وَتَصْرِيفِ الرِّيحِ» و «هُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ» (۷: ۵۷) «وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ» (۱۵: ۲۲) «اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا» (۳۵: ۹) «و هذه أربعة» (الصادق، ۲۶۲/۲ و ۲۶۳). ابن عطية نیز می‌گوید «قال الرماني جمعت رياح الرحمة لأنها ثلاثة لواقح الجنوب و الصبا و الشمال و أفردت ریح العذاب لأنها واحدة لا تلتحق و هي الدبور» (ابن عطية، ۲۱۳/۴).

۳-۴-۳. دیدگاه علوم امروزی

با توجه به پیشرفت وسایل اندازه‌گیری و وسعت اطلاعات از باد و سایر پدیده‌های جوئی، انواع و دسته‌بندی‌های مختلفی قابل ارائه است که به چند نمونه اشاره می‌شود. شروع دریانوردی در میان مسلمانان، زمینه‌ی آشنایی بیش‌تر آنان با دریا، باد و سایر پدیده‌های طبیعی، در دوره‌های را بعدی فراهم کرد (نک: قرچانلو، ۴ و ۶). «ابن‌ماجد» (م ۹۳۶ق.) در کتاب «ثلاث ازهار فی معرفة البحار» محل وزش بادهای را با دقت فراوان از هم جدا کرده و آنها را با درجات «شدت وزش» و جهت وزش آنها در جدولی روشن کرده است (نک: قره‌چانلو، ۱۲۸ و ۱۲۹) که به صورت ذیل است:



اختلاف جهت بادهای (قره‌چانلو، ۱۲۹)

«بیفور» (۱۸۰۵ م.)، جدول مخصوصی را که تا به امروز هنوز مورد استفاده و به نام اندازه‌گیری بیفور معروف، نوشته است، وزش بادها در این جدول به دوازده درجه تقسیم شده، برای هر درجه سرعت مخصوصی است (قره‌چانلو، ۱۳۰ و ۱۳۱). این جدول به صورت ذیل است:

نام بادها و سرعت هر یک (قره چانلو، ۱۳۱)

سرعت بادها به کیلومتر در ساعت	نام بادها در زبان عرب
کمتر از یک کیلومتر	۱- هوای ساکن
۱-۳ کیلومتر	۲- هوای خفیف
۴-۷ کیلومتر	۳- نسیم خفیف
۸-۱۲ کیلومتر	۴- نسیم هادی
۱۳-۱۸ کیلومتر	۵- نسیم معتدل
۱۹-۲۴ کیلومتر	۶- نسیم علیل
۲۵-۳۱ کیلومتر	۷- نسیم قوی
۳۲-۳۸ کیلومتر باد بلند	۸- ریح عال
۳۹-۴۴ کیلومتر بادی که خانه‌ها را از ریشه برکند	۹- هوجاء
۴۵-۵۴ کیلومتر باد قوی	۱۰- هوجاء قویة
۵۵-۶۳ کیلومتر باد قوی همانند طوفان	۱۱- هوجاء عاصف
۶۴-۷۵ کیلومتر طوفان - باد تند	۱۲- عاصفه
	۱۳- اعصار

هم‌چنین دسته‌بندی دیگری نیز قابل اشاره است (نک: Encyclopedia Americana، ۲۹/۲۹-۳۲)، مانند تقسیم‌بندی بادها از نظر گستره‌ی جغرافیایی: محلی (تغییرات روزانه)، منطقه‌ای (تغییرات دراز مدّت فشار)، سیاره‌ای (حاصل گردش عمومی جو) (نک: A Dictionary Of Science, Literature, & Art، ۱۰۲۹/۳).

با توجه به موارد فوق، می‌توان ادّعا کرد که مخاطب امروز، انواع و دسته‌های به مراتب بیش‌تری از بادها را در ذهن دارد و پیش‌فرض او از محدوده‌ی تغییرات بادها، دایره‌ی بزرگتری را نسبت به گذشته، دربرمی‌گیرد. برخی از دسته‌بندی‌ها نیازمند پیشرفت علوم و استفاده از وسایل جدیدتر بوده است که طبیعتاً در دوره‌های قبلی شناخته شده نبود اما با

ساخت وسایل محاسبه و اندازه‌گیری، تغییر متغیرهای مختلف ممکن شد و این وسایل با ارائه‌ی اندازه‌گیری‌های دقیق، میدان آگاهی بشر را وسعت بخشیدند.

نتایج مقاله

- ۱- واژه‌ی «تصرف» می‌تواند به وقوع مکرر دلالت کند و تکرار و بازگشت‌پذیری، شرط معنای این واژه نیست؛
- ۲- واژه‌ی «آیه» به امور عادی و طبیعی قابلیت اطلاق دارد و محدود کردن «آیات» به امور اعجازی صحیح نمی‌باشد؛
- ۳- تخصیص دلالت عبارت «تصرف الریاح» به جریان‌های هوایی مشخص، شواهد قابل قبولی ندارد.
- ۴- امروزه در میان انواع مختلف باد، دسته‌ی خاصی منحصراً محل اشاره‌ی عبارت «تصرف الریاح» نمی‌باشد و همه‌ی انواع باد، استعداد «آیه» بودن دارند؛ چرا که هر یک از انواع باد به گونه‌ای به ذات و صفات الهی دلالت می‌کنند.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم مسنداً عن الرسول (ص) و الصحابة و التابعین، تحقیق اسعد محمد الطیب، مکه المكرمة - الرياض، مكتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ ق.
۳. ابن الأثیر، مبارک بن محمد، النهاية: فی غریب الحديث و الأثر، تحقیق / تصحیح محمود محمد طنّاحی و طاهر احمد زاوی، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ق.
۴. ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبدالرزاق المهدي، لبنان - بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۲ ق.
۵. ابن بابویه القمی (الصدوق)، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تحقیق و تعلیق علی اکبر الغفاری، قم، مؤسسه النّشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۶. ابن درید، محمد بن حسن، کتاب جمهرة اللّغة، حقّقه و قدّم له رمزی منیر بعلبکی، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۸ ق.
۷. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، تحقیق عبدالحمید هنداوی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ ق.
۸. ابن عاشور، محمد طاهر، التّحریر و التّنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، لبنان - بیروت، موسسه التّاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۹. ابن عجبیة، احمد، البحر المید فی تفسیر القرآن المجید، تحقیق احمد عبدالله قرشی رسلان، مصر - قاهره، حسن عباس زکی، ۱۴۱۹ ق.
۱۰. ابن عطیة الأندلسی، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، لبنان - بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ ق.
۱۱. ابن فارس، احمد، معجم المقاییس اللّغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۱۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، وضع حواشیه و علّق علیه محمد حسین شمس الدین. لبنان - بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ ق.
۱۳. ابن قتیبة، عبدالله بن مسلم، کتاب الأنواء فی مواسم العرب، حیدرآباد - هند، بوروبو، ۱۹۷۸ م.
۱۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، به کوشش و تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۱۵. ابوحیان الأندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، تحقیق صدقی محمد جمیل، لبنان - بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.
۱۶. الأزهري، محمد بن احمد، تهذیب اللّغة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
۱۷. الألوسی البغدادی، سیّد محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السّبع المثانی، ضبطه و صحّحه علی عبدالباری عطیة، لبنان - بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.

۱۸. بازرگان، مهدی، مجموعه آثار ۷: مباحث علمی، اسلامی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۵ ش.
۱۹. البحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق قسم الدراسات الإسلامية مؤسسه البعثة، قم، موسسه بعثه، ۱۳۷۴ ش.
۲۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، تحقیق مصر - وزارة الأوقاف - المجلس الأعلى للشئون الإسلامية - لجنة إحياء كتب السنة، مصر - قاهره، جمهورية مصر العربية - وزارة الاوقاف - المجلس الاعلى للشئون الاسلاميه - لجنة إحياء كتب السنة، ۱۴۱۰ ق.
۲۱. براتی، غلامرضا و سیدشهاب‌الدین قطب‌شریف، «اعجاز علمی عبارات «تصرف الرياح» در قرآن کریم»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، شماره ۲، صص ۱۵۵-۱۸۰، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴ ش.
۲۲. برکات، ابراهیم ابراهیم، النحو العربی، مصر - قاهره، دارالنشر للجامعات، بی تا.
۲۳. البیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل المعروف بتفسیر البیضاوی، إعداد و تقدیم محمد عبدالرحمن المرعشلی، لبنان - بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۲۴. پارچه‌باف‌دولتی، کریم و فاطمه قندالی، «کاربرد واژه «آیه» در روایات شیعه با عنایت به صحیح هاشم بن سالم»، علوم حدیث، شماره ۷۴، صص ۹۹-۱۱۵، قم، دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۳ ش.
۲۵. التعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان المعروف بتفسیر التعلبی، دراسة و تحقیق أبی محمد بن عاشور، مراجعة و تدقیق نظیر الساعدی، لبنان - بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۲۶. الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق أحمد عبدالغفور عطّار، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ ق.
۲۷. الحرّالعلمی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق مؤسسه آل‌البیته (ع) لاحیاء التراث، قم، مؤسسه آل‌البیته (ع)، ۱۴۰۹ ق.
۲۸. التفسیر المنسوب الی الامام ابی محمد الحسن بن علی العسکری (ع)، تحقیق مدرسه الامام المهدي (ع)، قم، مدرسه الإمام المهدي (عج)، ۱۴۰۹ ق.
۲۹. الحویزی، عبدعلی بن جمعة العروسی، تفسیر نورالقلین، تصحیح هاشم رسولی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۳۰. الخطیب شریب‌بنی، محمد بن احمد، تفسیر الخطیب الشریب‌بنی المسمى السراج المنیر، تحقیق ابراهیم شمس‌الدین، لبنان - بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۵ ق.
۳۱. الخطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، لبنان - بیروت، دارالفکر العربی، ۱۴۲۴ ق.
۳۲. دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر سیدمصطفی میرسلیم، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۳۳. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
۳۴. رستمی، محمدحسن، سیمای طبیعت در قرآن، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.

۳۵. رشیدرضا، السیدمحمد، تفسیر القرآن الحکیم المشهر باسم تفسیر المنار، لبنان - بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۴ ق.
۳۶. روحانی، محمود، المعجم الاحصائی لألفاظ القرآن الکریم، مشهد، مؤسسه طبع و نشر الآستانه الرضویة المقدسه، ۱۳۶۶ش. - ۱۴۰۷ق. - ۱۹۸۷م.
۳۷. الزبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق/تصحیح علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۳۸. الزحیلی، وهبة، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، سوریه - دمشق، دارالفکر، ۱۴۱۱ ق.
۳۹. الزمخشري، محمودبن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، لبنان - بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۴۰. السمین، احمدبن یوسف، الدر المصون فی علوم الكتاب المکنون، تحقیق و تعلیق جاد مخلوف جاد و زکریا عبدالمجید النوتی، لبنان - بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۴ ق.
۴۱. السیرافی، أبی سعید، شرح کتاب سبویه، تحقیق أحمد حسن مهدلی و علی سیدعلی، لبنان - بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.
۴۲. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۴۳. همو، همع الهوامع: شرح جمع الحوامع فی النحو، اعتنى به احمد عزو عنايه، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۴. الشرتونی، رشید، مبادئ العربية المجلد الرابع (قسم الصرف)، تنقیح و إعداد حمید المحمّدی، قم، مؤسسه انتشارات دارالعلم، ۱۴۳۵ ق.
۴۵. الشوکانی، محمدبن علی، فتح القدر الجامع بین فنی الروایة و الذرایة من علم التفسیر، سوریه - دمشق، دار ابن کثیر و دارالکلم الطیب، ۱۴۱۴ ق.
۴۶. الشیبانی، محمدبن الحسن، نهج البیان عن کشف المعانی القرآن، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۳ ق.
۴۷. الصادقی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنّة، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۴۸. الطبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح و تحقیق و تعلیق السیدهاشم الرسولی المحلاتی و السید فضل الله الیزدی الطباطبایی، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ق.
۴۹. الطبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت - لبنان، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۵۰. الطّریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق السید احمد الحسینی، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۲ش.
۵۱. الطوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح احمد حبیب عاملی، لبنان - بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۵۲. العکبری، عبدالله بن حسین، التبیان فی إعراب القرآن، عربستان - ریاض، بیت الأفكار الدولیة، ۱۴۱۹ ق.
۵۳. الفخر الرازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر للأمام الفخر الرازی (مفاتیح الغیب)، اعداد مکتب تحقیق داراحیاء التراث العربی، لبنان - بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.

۵۴. الفراء البغوی، حسین بن مسعود، تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل، تحقیق عبدالرزاق المهدی، لبنان - بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۵۵. الفراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق مهدی محزومی و ابراهیم السامرائی، قم، موسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ ق.
۵۶. الفیروزآبادی، محمد بن یعقوب، الفاموس المحیط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۵۷. الفیض الکاشانی، محسن، الوافی، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۰۶ ق.
۵۸. الفیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر: فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، موسسه دارالهجره، ۱۴۱۴ ق.
۵۹. القرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران - ایران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۶۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق قسم احیاء التراث مرکز بحوث دارالحدیث، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ ق.
۶۱. الماوردی، محمد بن حبیب، النکت و العیون تفسیر الماوردی، راجعه و علق علیه السید بن عبدالمقصود بن عبدالرحیم، بیروت - لبنان، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۶۲. المجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۶۳. المیبدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عدّه الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۶۴. النهاوندی، محمد بن عبدالرحیم، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه - موسسه البعثة قم، قم: موسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر، ۱۳۸۶ ش.
۶۵. شبر، السید عبدالله، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، الكويت، مکتبه الألفین، ۱۴۰۷ ق.
۶۶. الشهرستانی، محمد بن عبدالکریم، تفسیر الشهرستانی المسمی مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار، تهران، مرکز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط، ۱۳۸۷ ش.
۶۷. طالقانی، سید محمود، یرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش.
۶۸. الطباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان - بیروت، مؤسسه الأعلمی للطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۶۹. الطبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر (تفسیر القرآن العظیم للامام الطبرانی)، تحقیق هشام البدرانی، الاردن، دارالکتب الثقافی، ۲۰۰۸ م.
۷۰. طنطاوی، محمد سید، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، مصر - قاهره، نهضة مصر، ۱۹۹۷ م.
۷۱. طیب حسینی، سید محمود، درآمدی بر دانش مفردات قرآن، ویراسته ی سعیدرضا علی عسکری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ ش.
۷۲. فضل الله، السید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، لبنان - بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹ ق.
۷۳. قرچانلو، حسین، «دریانوردی مسلمانان در سده های نخستین اسلامی»، تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۳، صص ۱۶-۳، ۱۳۸۵ ش.
۷۴. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.

۷۵. القرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۷۶. قره‌چانلو، حسین، «بحث کوتاهی درباره‌ی بادها از دیدگاه دانشمندان اسلامی»، مقالات و بررسیها، شماره ۴۹ و ۵۰، صص ۱۱۹-۱۴۰، ۱۳۶۹ ش.
۷۷. کاشانی، فتح‌الله، تفسیر کبیر منهج الصادقین، مقدمه و پاورقی و تصحیح کامل حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، بی‌تا.
۷۸. محمدپور، حمیدرضا، «بررسی مفهوم «آیه» در قرآن کریم»، بلاغ مبین، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۵۳-۷۰، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۶ ش.
۷۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت- قاهره - لندن، دارالکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۴۳۰ ق.
۸۰. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، قم، دارالکتب اسلامی، ۱۴۲۴ ق.
۸۱. همو، التفسیر المبین، قم، موسسه دارالکتب الإسلامی، ۱۴۲۵ ق.
۸۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۸۳. نظام نیشابوری (القمی النیشابوری)، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ضبطه و خرج آیاته و أحادیثه زکریا عمیرات، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۶ ق.
۸۴. نظری، علی اصغر، تاریخ علم جغرافیا، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶ ق.
۸۵. واحدی، علی بن احمد، الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، تحقیق صفوان عدنان داوودی، لبنان- بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۵ ق.
۸۶. هارت - دیویس، آدام، تاریخ علم، ترجمه‌ی شادی مشکوة السادات و سارا فروغی اصل، تهران، انتشارات سبزان، ۱۳۹۵ ش.
87. Encyclopedia Americana, international edition, Danbury, Connecticut: Scholastic Library Publishing, Inc., 2006.
88. W.T. Brande & Rev. George W. Cox, A Dictionary of Science, Literature, & Art, Delhi: Komal prakashan, First Published 1866, Reprint 2000.

